



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ فضائل قرآن
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ ضرورت و صفات خلیفه‌ی خداوند
۳. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم

دوازده گفتار از آن جناب درباره‌ی اینکه حجت، کتاب خداوند و خلیفه‌ی او در زمین است، نه رأی و نه روایت.

۱. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: فَرِيقَانِ أَفْسَدَا عَلَى النَّاسِ دِينَهُمْ: أَهْلُ الرَّأْيِ وَأَهْلُ الْحَدِيثِ! قُلْتُ: أَمَّا أَهْلُ الرَّأْيِ فَقَدْ عَلِمْتُ، فَمَا بَالُ أَهْلِ الْحَدِيثِ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ حَدَّثُوا بِأَحَادِيثٍ مَكْذُوبَةٍ، زَعَمُوا أَنَّهَا صَحِيحَةٌ، وَجَعَلُوهَا مِنَ الدِّينِ، وَمَا افْتَرَى عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَرِيقٌ مِثْلُ مَا افْتَرَى أَهْلُ الْحَدِيثِ، يَقُولُونَ: «قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» وَمَا قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا، وَلَيْتَنِي قَالَ رَجُلٌ هَذَا رَأْيِي رَأَيْتُهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَقُولَ هَذَا قَوْلُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ كَاذِبٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: دو گروه دین مردم را بر آنان تباه کردند: اهل رأی و اهل حدیث! گفتم: اهل رأی را دانسته‌ام، ولی اهل حدیث چطور؟! فرمود: آنان احادیثی دروغین را روایت کردند، پنداشتند که صحیح است و آن را جزئی از دین بر ساختند و هیچ گروهی بر خداوند و پیامبرش چنانکه اهل حدیث دروغ بسته‌اند دروغ نبسته است، می‌گویند: «خداوند و پیامبرش چنین گفتند»، در حالی که خداوند و پیامبرش چنین نگفتند و آنان تنها دروغ می‌گویند و اگر کسی بگوید این رأی است که به نظر من آمده برای او بهتر است از آنکه بگوید این سخن خداوند و پیامبر اوست، در حالی که دروغ‌گوست!

۲. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحَنْدِيُّ، قَالَ: دَخَلَ عَلَى الْمَنْصُورِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْحَدِيثِ وَقَالَ لَهُ: إِنِّي أَدِينُ اللَّهَ بِالْحَدِيثِ وَإِنَّ أَخِي يَدِينُ بِالرَّأْيِ، قَالَ: لَا دِينَ لَكُمَا! فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَرْتَعِدُ، فَقَالَ: مَنْ دَانَ اللَّهَ بِرَأْيِهِ فَلَا دِينَ لَهُ، وَمَنْ دَانَهُ بِرَوَايَةِ تُرْوَى لَهُ فَلَا دِينَ لَهُ، وَمَنْ دَانَهُ بِسَمَاعٍ مِنْ خَلِيفَتِهِ فِي الْأَرْضِ فَقَدْ هَدَيْتَنِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ! ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ، فَأَعْرِفْهُ وَاسْتَمْسِكْ بِمُحْزَرَّتِهِ، فَإِنَّهُ

يَكْفِيكَ مِنْ رَأْيِكَ وَرَوَايَتِكَ، وَإِنَّمَا تَعْرِفُهُ بِآيَةٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا عَرَفْتَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ حَابَ مِنْ افْتَرَى!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: مردی از اهل حدیث به خدمت منصور رسید و
گفت: من خدا را بر پایه‌ی حدیث دین‌داری می‌کنم و برادرم بر پایه‌ی رأی دین‌داری می‌کند! آن
جناب فرمود: دینی برای شما دو تن نیست! پس آن مرد شروع به لرزیدن کرد، آن جناب (که چنین
دید) فرمود: هر کس خدا را با رأی خود دین‌داری کند، دینی برای او نیست و هر کس او را با روایتی
که برایش نقل می‌شود دین‌داری کند، دینی برای او نیست و هر کس او را با شنیدنی از خلیفه‌ی او
در زمین دین‌داری کند، هرآینه به راهی راست رهنمون شده است! سپس فرمود: بی‌گمان خداوند
را در زمین خلیفه‌ای هست، پس او را بشناس و دامنش را بگیر؛ چراکه او تو را از رأی و روایت
بی‌نیاز می‌کند و جز این نیست که او را با آیتی از جانب خداوند بلندمرتبه می‌شناسی همان گونه
که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را شناختی و ناکام شد هر آن کس که دروغ بست!

۳. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَاسَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ لِحِمَاةٍ مِنْ أَهْلِ الْحَدِيثِ: إِنَّ
مَوَالِيَّ بَنِي أُمَيَّةٍ قَدْ أَفْسَدُوا عَلَيْكُمُ الْحَدِيثَ، فَدَعُوهُ وَأَقْبِلُوا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ فِيكُمْ، فَإِنَّهُمَا
يَهْدِيَانِيكُمُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ! أَلَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ: «حَسْبُكُمْ كِتَابُ اللَّهِ» وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ:
«حَسْبُكُمْ كِتَابُ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ فِيكُمْ»! قَالُوا: وَمَنْ خَلِيفَتُهُ فِينَا؟! قَالَ: الْمَهْدِيُّ!

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور خطاب به گروهی از اهل حدیث
می‌فرماید: همانا دوستداران بنی امیه حدیث را بر شما خراب کرده‌اند، پس آن را واگذارید و به
کتاب خداوند و خلیفه‌اش در میانتان روی آورید؛ چراکه آن دو شما را به راهی راست رهنمون
خواهند شد! آگاه باشید که من به شما نمی‌گویم: «کتاب خداوند شما را بس است»، بلکه به شما
می‌گویم: «کتاب خداوند و خلیفه‌اش در میانتان شما را بس است»! گفتند: خلیفه‌ی او در میان
ما کیست؟! فرمود: مهدی!

۴. أَخْبَرَنَا أَبُو إِبرَاهِيمَ السَّمَرَقَنْدِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّكَ تَنْهَى عَنِ الْحَدِيثِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾، قَالَ: أَتَمَّ الْآيَةَ! قُلْتُ: ﴿وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾،

۱. النساء/ ۵۹

۲. النساء/ ۵۹

قَالَ: مَنْ يُطِيعُ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ الرَّسُولَ، وَمَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، فَمَا لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا؟ قُلْتُ: وَمَنْ أُولُوا الْأَمْرِ مِنَّا؟ قَالَ: رَجَالٌ وَلَا هُمْ اللَّهُ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ الرَّسُولِ، يُطِيعُونَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ! قُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: لَا تَسْأَلُونِي عَمَّنْ مَضَى مِنْهُمْ، وَلَكِنْ سَأَلُونِي عَمَّنْ بَقِيَ، فَإِنَّ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ! قُلْتُ: وَمَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ، فَإِذَا لَقِيتُمُوهُ فَقُولُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ!

ترجمه‌ی گفتار:

ابو ابراهیم سمرقندی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: تو از حدیث باز می‌داری، در حالی که خداوند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آوردید! خداوند و پیامبر را اطاعت کنید»، آن جناب فرمود: آیه را کامل کن! گفتم: «و والیان امر از شما را»، فرمود: هر کس والیان امر از شما را اطاعت کند، پیامبر را اطاعت کرده و هر کس پیامبر را اطاعت کند، خداوند را اطاعت کرده است؛ پس این قوم را چه می‌شود که نزدیک نیست سخنی را دریابند؟! گفتم: والیان امر از ما کیانند؟ فرمود: مردانی هستند که خداوند امر این امت را پس از پیامبر به آنان سپرده است، از خداوند و پیامبر اطاعت می‌کنند! گفتم: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: از من درباره‌ی کسانی از آنان که درگذشتند نپرسید، ولی درباره‌ی کسی پرسید که باقی مانده است؛ چراکه باقی مانده‌ی خداوند برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید! گفتم: باقی مانده‌ی خداوند کیست؟ فرمود: مهدی، پس چون او را ملاقات کردید بگویید: سلام بر تو ای باقی مانده‌ی خداوند!

۵. أَخْبَرَنَا أَتَابُكُ بْنُ جَمَشِيدٍ السُّغْدِيُّ، قَالَ: قَالَ لِي رَجُلٌ مِنَ السَّلَفِيَّةِ: مَا أَشْجَعَ صَاحِبَكُمْ يَا أَتَابُكُ! كَانَ قَلْبُهُ قِطْعَةً مِنْ حَدِيدٍ! قُلْتُ: وَمَا عِلْمُكَ بِذَلِكَ؟ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَوْلًا لَا يَتَجَرَّأُ أَنْ يَقُولَهُ أَحَدٌ غَيْرُهُ، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا رَأْيَ وَلَا رَوَايَةَ، وَلَكِنْ طَاعَةٌ لِأُولَى الْأَمْرِ، وَالْمَهْدِيُّ مِنْ أُولَى الْأَمْرِ! قُلْتُ: فَهَلَا رَدَدْتَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: وَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهِ؟ إِنَّهُ الْمَنْصُورُ!

ترجمه‌ی گفتار:

اتابک بن جمشید سغدی ما را خبر داد، گفت: مردی از سلفیان به من گفت: چه اندازه رفیق‌تان شجاع است ای اتابک! گویا قلب او پاره‌ای از آهن است! گفتم: تو این را از کجا دانستی؟! گفت: از او شنیدم چیزی می‌گوید که احدی غیر از او جرأت گفتنش را ندارد، شنیدم که می‌گوید: نه رأیی است و نه روایتی، بلکه اطاعتی از اولی الامر است و مهدی از اولی الامر است! گفتم: آیا بر او رد نکردی؟! گفت: چه کسی می‌تواند بر او رد کند؟! او منصور است!

۶. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدًا صَالِحًا يَقُولُ: لَا يَصْلُحُ بَالُ النَّاسِ حَتَّى يُعْرِضُوا عَنْ

آرَائِهِمْ وَرَوَايَاتِهِمْ مُقْبِلِينَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ فِيهِمْ، وَإِنَّ أَقْبَحَ مَا يَكُونُ أَنْ أَقُولَ لِأَحَدِكُمْ الْحَقَّ فَيَقُولَ: هَذَا خِلَافُ رَأْيِ زَيْدٍ أَوْ خِلَافُ رِوَايَةِ عَمْرٍو! ثُمَّ قَلَبَ كَفِّهِ عَلَى مَا قَالَ وَقَالَ: هَذَا سَبِيلُ الرَّشَادِ، وَلَكِنْ مَنْ يَقْبَلُ هَذَا؟!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید ما را خبر داد، گفت: شنیدم عبدی صالح (یعنی منصور) می‌فرماید: وضع مردم سامان نمی‌یابد تا آن گاه که از آراء و روایات خود روی بگیرند و به کتاب خداوند و خلیفه‌ی او در میان‌شان روی آورند و هرآینه زشت‌ترین چیزی که واقع می‌شود آن است که به یکی از شما حق را بگویم پس بگوید: این بر خلاف رأی زید یا بر خلاف روایت عمرو است! سپس آن جناب دست خود را بر روی گفتار خود برگرداند (یعنی از روی ناامیدی یا استبعاد آن را به حرکت درآورد) و فرمود: این راه رشد است، ولی چه کسی این را می‌پذیرد؟!

۷. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ فِي بَيْتِهِ، فَوَجَدْتُهُ يَضْحَكُ! فَقُلْتُ: أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّكَ! وَمَا أَضْحَكَكَ؟ قَالَ: نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ فِي رِجَالِ الْحَدِيثِ، فَأَضْحَكَنِي! فَلَانٌ قَالَ: فَلَانٌ صَدُوقٌ، وَفُلَانٌ قَالَ: فَلَانٌ كَذَّابٌ! هَلْ يَدِينُ بِهِذَا إِلَّا قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ؟! ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّحْنِ وَقَالَ: مَا بَنَى اللَّهُ دِينَهُ عَلَى ظَنٍّ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ، وَإِنَّمَا بَنَاهُ عَلَى الْيَقِينِ، وَهُوَ كِتَابُ أَنْزَلَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَخَلِيفَةُ جَعَلَهُ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِذَيْنِ الثَّقَلَيْنِ فَإِنَّمَا تَمَسَّكَ بِحَبْلِ مَتِينٍ، وَمَنْ تَرَكَهُمَا وَتَمَسَّكَ بِشَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ فَإِنَّمَا تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْعَنْكَبُوتِ! قُلْتُ: إِنَّ أَهْلَ الْحَدِيثِ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِذَا صَحَّ إِسْنَادُهُ عِنْدَهُمْ فَهُوَ يَقِينٌ! قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْحَدِيثِ لَا يَعْقِلُونَ!

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف ما را خبر داد، گفت: به خدمت منصور در خانه‌ی آن جناب رسیدم، پس او را در حالی یافت‌م که خنده‌ای بر لب دارد! گفتم: خداوند لب‌تان را همیشه خندان گرداند، چه چیزی شما را به خنده انداخته است؟ فرمود: به کتابی درباره‌ی رجال حدیث نظر می‌کردم، پس من را به خنده انداخت! فلانی گفت که فلانی صدوق است و فلانی گفت که فلانی کذاب! آیا بر پایه‌ی این جز گروهی که تعقل نمی‌کنند دین‌داری می‌کنند؟! سپس به سوی حیاط برخاست و فرمود: خداوند دین خود را بر ظنّ برخی از شما درباره‌ی برخی دیگر بنا نکرده، بلکه تنها بر یقین بنا کرده و آن همانا کتابی است که از آسمان فرو فرستاده و خلیفه‌ای است که در زمین قرار داده است؛ پس هر کس به این دو ثقلین چنگ در زند، هرآینه به ریسمانی استوار چنگ در زده و هر کس آن دو را واگذارد و به چیزی از این احادیث چنگ در زند، هر آینه به ریسمانی چون ریسمان عنکبوت



چنگ در زده است! گفتیم: اهل حدیث گمان می کنند که آن، هرگاه سندش نزد آنان صحیح باشد، موجب یقین است! فرمود: اهل حدیث تعقل نمی کنند!

۸. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّلِقَانِيُّ، قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْعَالِمِ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِهِ وَقَالَ: يَا أَبَا زَكْرِيَّا! مَنْ تَمَسَّكَ بِرِوَايَةٍ فَكَأَنَّمَا سَقَطَ مِنْ شَاهِقٍ، عَاشَ أَوْ هَلَكَ! فَتَغَيَّرَ لَوْنِي، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ مَيِّ قَالَ: لَعَلَّكَ تَظُنُّ أَنِّي أَرِيدُ أَنْ أُعْطَلَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟! لَا وَاللَّهِ، وَلَكِنَّ النَّاسَ مُتَّعُوا بِهَا -يَعْنِي الرِّوَايَةَ- حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ، فَزَادُوا فِيهَا وَنَقَصُوا، وَخَلَطُوهَا بِالْكَذِبِ، وَبَدَّلُوهَا تَبْدِيلًا، حَتَّى اخْتَلَفَتْ أَلْفَاظُهَا، وَانْقَلَبَتْ مَعَانِيهَا، وَاشْتَبَهَ حَقُّهَا وَبَاطِلُهَا وَنَاسِخُهَا وَمَنْسُوخُهَا وَمُحْكَمُهَا وَمُتَشَابِهُهَا، وَتَعَدَّرَ التَّمْيِيزُ بَيْنَهُمَا كَمَا يَتَعَدَّرُ بَيْنَ الْمَاءِ وَاللَّيْنِ الْمُغْشُوشِ! فَتَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَتَشَبَّثُ بِرِوَايَةٍ يَحْسِبُهَا صَحِيحَةً لِيَكْفُرَ بِاللَّهِ وَيَصِفَهُ بِمَا لَا يَلِيقُ بِدَاتِهِ، وَتَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَتَشَبَّثُ بِرِوَايَةٍ يَحْسِبُهَا صَحِيحَةً لِيَتَحَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ وَيَتَّبِعَ كُلَّ جَبَّارٍ غَنِيْدٍ، وَتَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَتَشَبَّثُ بِرِوَايَةٍ يَحْسِبُهَا صَحِيحَةً لِيُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَيَسْفِكَ الدِّمَاءَ، وَتَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَتَشَبَّثُ بِرِوَايَةٍ يَحْسِبُهَا صَحِيحَةً لِيَرْفَعَ رَجَالًا وَيَضَعَ آخَرِينَ، وَتَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَتَشَبَّثُ بِرِوَايَةٍ يَحْسِبُهَا صَحِيحَةً لِيُحِلَّ حَرَامَ اللَّهِ وَيُحَرِّمَ حَلَالَهُ، وَهُمْ يَحْسُبُونَ فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ وَالَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَيْسُوا عَلَى شَيْءٍ، فَيُضْبِحُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ! فَأَرَدْتُ أَنْ أَصْرِفَهُمْ عَمَّا ضَرُّهُ أَكْثَرَ مِنْ نَفْعِهِ إِلَى مَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ، وَأَخْلِصَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ لَهُمْ، وَإِنَّهُمْ إِنْ يَتَّبِعُونِي أَسْلَكُ بِهِمْ مَنَاهَجَ الرَّسُولِ وَأَهْدِيَهُمْ سُنَّةَهُ بِالْحَقِّ، ثُمَّ لَا يَجِدُونِي كَاذِبًا وَلَا كُتُومًا!

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: نزد عالم (یعنی منصور) نشسته بودم، پس روی خود را به طرف من برگرداند و فرمود: ای ابا زکریا! هر کس به روایتی تمسک جوید چنان است که از بلندی پرتاب شود، زنده بماند یا بمیرد! پس رنگ من دگرگون شد، پس چون این حال را در من مشاهده کرد فرمود: شاید تو می پنداری که من می خواهم سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تعطیل کنم! نه به خدا سوگند، ولی مردم از آن -یعنی روایت- برخوردار شدند تا آن گاه که مدت بر آنان طولانی شد، پس بر آن افزودند و از آن کاستند و آن را به دروغ آمیختند و بسیار دگرگون ساختند، تا جایی که الفاظ آن مختلف و معانی آن منقلب و حق و باطل و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن مشتبه شد و جدا کردن آن دو از هم متعذر گردید همان گونه که جدا کردن آب از شیری که به آن ممزوج شده باشد متعذر است! پس مردی از آنان را می بینی که روایتی را دستاویز قرار می دهد در حالی که آن را صحیح می پندارد تا به خداوند کفر ورزد و او را گونه ای توصیف کند که لایق ذات او نیست و مردی از آنان را می بینی که روایتی را دستاویز قرار می دهد در حالی که



آن را صحیح می‌پندارد تا به طاغوت حکومت برد و از هر جبار سرکشی پیروی نماید و مردی از آنان را می‌بینی که روایتی را دستاویز قرار می‌دهد در حالی که آن را صحیح می‌پندارد تا در زمین فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و مردی از آنان را می‌بینی که روایتی را دستاویز قرار می‌دهد در حالی که آن را صحیح می‌پندارد تا کسانی را بالا برد و کسانی دیگر را پایین آورد و مردی از آنان را می‌بینی که روایتی را دستاویز قرار می‌دهد در حالی که آن را صحیح می‌پندارد تا حرام خدا را حلال و حلال او را حرام گردانند، در حالی که آنان در همه‌ی این موارد گمان می‌برند که بر چیزی هستند و کسانی جز آنان بر چیزی نیستند، پس از زیان‌کارترین‌ها می‌گردند! پس خواستم آنان را از چیزی که زیانش از سودش بیشتر است به چیزی برگردانم که به آنان سود می‌رساند و زیان نمی‌رساند و دین‌شان که خداوند برایشان کامل ساخته است را برایشان خالص گردانم و اگر آنان از من پیروی کنند، آنان را به روش‌های پیامبر رهسپار می‌سازم و به سنت‌های او رهنمون می‌شوم، آن گاه من را نه دروغگو خواهند یافت و نه پنهان کننده!

۹. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِّلْمَنْصُورِ: مَا أَرَانِي إِلَّا نَاجِيًّا وَمَا أَرَى فُلَانًا إِلَّا مِنَ الْهَالِكِينَ! قَالَ: هَذَا رَجُلٌ مَّغْرُورٌ! وَمَا أَذْرَاكَ بِهِ؟ قَالَ: لِأَنِّي أَخَذُ بِالرَّوَايَةِ وَأَنْ فُلَانًا يَأْخُذُ بِالرَّأْيِ! قَالَ: دَعْ رِوَايَتَكَ كَمَا وَدَعْتَ رَأْيَكَ! فَإِنَّهُمَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، لَا تَدْرِي أَيُّهُمَا أَشَدُّ ظُلْمَةً، وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ! فَبَكَى الرَّجُلُ لَمَّا سَمِعَ هَذَا حَتَّى ابْتَلَثَ لِحَيْتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَاذَا أَفْعَلُ إِذَنْ؟ قَالَ: أُنْعِرُ خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لَا، قَالَ: فَاعْرِفْهُ وَاسْتَمْسِكْ بِمَا سَمِعْتَهُ مِنْهُ بِهَاتَيْنِ الْأُذُنَيْنِ -وَأَحْذِ بِأُذُنِهِ- أَوْ حَدَّثَكَ عَنْهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ حَيٌّ، فَإِنَّ الْحَيَّ يَكْادُ أَنْ لَا يُكْذَبَ عَلَيْهِ، وَلَوْ كُذِبَ عَلَيْهِ لَرَدَّهُ، وَهُوَ يَبِينُ لِأَهْلِ زَمَانِهِ، الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ، حَتَّى إِذَا هَلَكَ يَرْجِعُ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلِيفَتِهِ فِيهِمْ، فَيَسْمَعُونَ مِنْهُ وَيَرَوُونَ عَنْهُ، وَلَا يَقْفُونَ عَلَى هَالِكٍ وَلَا يَنْقَلِبُونَ إِلَيْهِ وَلَا يَقُولُونَ: ﴿إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَهُمْ مِثْلَ مَا جَعَلَ لِآبَائِهِمْ، كِتَابًا مُبِينًا وَخَلِيفَةً رَاشِدًا، وَأَمْرَهُمْ بِمِثْلِ مَا كَانُوا يُؤْمَرُونَ! فَمَنْ أَخَذَ عَنِ خَلِيفَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَقَدْ أَخَذَ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ أَخَذَ عَنِ هَؤُلَاءِ الرُّوَاةِ وَكُلِّ إِلَيْهِمْ، وَأَتَى لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: مردی به منصور گفت: خود را جز نجات یافته و فلانی را جز از هلاک شوندگان نمی‌بینم! آن جناب فرمود: این مردی مغرور است! چه چیزی تو را از آن آگاه کرد؟! گفت: برای اینکه من به روایت اخذ می‌کنم و فلانی به رأی اخذ می‌کند! آن جناب فرمود: روایت را واگذار همان طور که رأیت را واگذاری؛ زیرا آن دو تاریکی‌هایی هستند که برخی



بر روی برخی دیگرند و نمی‌دانی کدام یک از دیگری تاریک‌تر است و هر کس که خداوند برای او نوری قرار ندهد برای او نوری نیست! پس آن مرد چون این سخن را شنید به گریه افتاد تا جایی که ریش او تر شد، سپس گفت: با این حساب چه کنم؟! آن جناب فرمود: آیا خلیفه‌ی خداوند در زمین را می‌شناسی؟ مرد گفت: نه! آن جناب فرمود: پس او را بشناس و به چیزی چنگ بزن که با این دو گوش -و گوش او را گرفت- از او شنیدی یا یکی از یارانش در حالی که او زنده است از او برایت حدیث کرد؛ زیرا بر زنده نزدیک است که دروغ بسته نشود و اگر بر او دروغ بسته شود آن را رد می‌نماید و او برای اهل زمان خود چه شاهدان آن‌ها و چه غایبان‌شان تبیین می‌کند، تا هنگامی که از دنیا برود، پس کسانی که پس از او هستند به خلیفه‌ی او در میانشان رجوع می‌کنند، پس از او می‌شنوند و از او روایت می‌کنند و بر کسی که از دنیا رفت توقف نمی‌کنند و به سوی او باز نمی‌گردند و نمی‌گویند که: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما در پی آنان روانیم»؛ زیرا خداوند برای آنان مانند چیزی را قرار داده است که برای پدران‌شان قرار داد؛ کتابی روشن‌گر و خلیفه‌ای رهیافته و آنان را به همان چیزی امر کرده است که آن‌ها بدان مأمور بودند! پس هر کس از خلیفه‌ی خداوند و پیامبرش اخذ کند، از خداوند و پیامبرش اخذ کرده و هر کس از این راویان اخذ کند، به آنان واگذاشته می‌شود و چگونه از جایی دور می‌توانند (به حق) دسترسی پیدا کنند؟!

۱۰. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي مَسْجِدٍ وَكَانَ مَعَنَا رَجُلٌ مِنَ السَّلَفِيَّةِ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَدَثَ لَكُمْ ذِكْرًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّلَفَ، فَإِنَّ السَّلَفَ لَمْ يَتَّبِعُوا السَّلَفَ، وَلَكِنْ اتَّبَعُوا ذِكْرَهُمْ، وَإِنَّ مَنْ وَقَفَ عَلَى سَلَفٍ وَلَمْ يَتَّبِعْ مَا أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذِكْرٍ فَقَدْ قَطَعَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَصَلَ عَنْ سَبِيلِهِ، أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ! قَالَ رَجُلٌ مِنَ السَّلَفِيَّةِ: أَلَيْسَ كُلُّ مُحَدِّثٍ بِدْعَةٍ؟! فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ وَقَالَ: الْبِدْعَةُ مَا أَحَدَثَ النَّاسُ فِي الدِّينِ وَالذِّكْرُ مَا أَحَدَثَ اللَّهُ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ﴾^۱ قَالَ الرَّجُلُ: وَمَا ذِكْرٌ مُحَدَّثٌ؟! قَالَ: إِمَامٌ يُحَدِّثُهُ اللَّهُ فِي كُلِّ قَرْنٍ يَهْدِي بِأَمْرِهِ لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيُحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ! قَالَ الرَّجُلُ: مَا سَمِعْنَا بِهِذَا فِي الْقُرُونِ الثَّلَاثَةِ، إِنَّ هَذَا إِلَّا بِدْعَةٌ! قَالَ: وَيَحْكُ أَتَأْتِي إِلَّا أَنْ تُضَاهِيَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا؟! قَالُوا: ﴿مَا سَمِعْنَا بِهِذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ﴾^۲ وَاللَّهِ مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ مُسْلِمًا يَقُولُ بِهِذَا حَتَّى سَمِعْتُكُمْ تَقُولُونَ بِهِ يَا مَعْشَرَ السَّلَفِيَّةِ!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: نزد عبد صالح در مسجدی بودیم و به همراه ما مردانی از سلفیه بودند، پس آن جناب به آنان روی نمود و فرمود: هرآینه خداوند برای شما

۱. الانبياء / ۲

۲. ص / ۷

ذکری تازه کرده است؛ پس از آن تبعیت کنید و از سلف تبعیت نکنید؛ چراکه سلف از سلف تبعیت نکردند، بلکه از ذکرشان تبعیت کردند و هرآینه کسی که بر سلف توقف کند و از ذکری که خداوند برای او تازه کرده است تبعیت نکند، چیزی که خداوند به آن امر کرده است تا پیوسته نگاه داشته شود را بریده و از راه او گمراه شده است؛ آنان کسانی هستند که از جایی دور ندا داده می‌شوند! مردی از سلفیه گفت: آیا نه این است که هر چه تازه شده بدعت است؟! پس آن جناب به او توجه کرد و فرمود: بدعت چیزی است که مردم در دین تازه کرده‌اند و ذکر چیزی است که خداوند تازه کرده است؛ سپس این آیه را خواند که می‌فرماید: «**أَنَّا لَا نَفْعُكَ شَيْئًا**» آن مرد گفت: ذکر تازه شده پروردگارشان نمی‌آید مگر اینکه آن را می‌شنوند و به بازی می‌گیرند!». آن مرد گفت: ذکر تازه شده کدام است؟! فرمود: امامی که خداوند در هر قرنی تازه می‌کند که به امر او راه می‌نماید تا هر کس که زنده است را بیم دهد و سخن را بر کافران راست گرداند! آن مرد گفت: این را در قرون نخستین نشنیدیم، این چیزی جز بدعت نیست! آن حضرت فرمود: وای بر تو! آیا ابا داری جز از اینکه مانند کسانی سخن بگویی که کافر شدند؟! گفتند: «**این را در کیش گذشتگان نشنیدیم، این چیزی جز ساختگی نیست!**». به خدا سوگند گمان نمی‌کردم که مسلمانی این سخن را بگوید تا آن گاه که شنیدم شما آن را می‌گویید ای گروه سلفیه!

۱۱ . أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّأْيَ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ، وَإِنَّ الْمُحَدِّثِينَ يَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ، وَإِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ! قُلْتُ: وَمَا هُدَى اللَّهِ؟ قَالَ: إِمَامٌ يَهْدِي بِأَمْرِ اللَّهِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَيَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ! قُلْتُ: لَا يَقْبَلُ النَّاسُ مِنْكَ هَذَا جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَلَوْ قَبِلُوا مِنْكَ لَأَكَلُوا مِنْ قَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَكِنْ لَا يَفْعَلُونَ! قَالَ: دَعَهُمْ يَا بْنَ حَبِيبٍ! فَإِنَّهُمْ سَوْفَ يَأْتِيهِمْ رَجُلٌ مِثِّي وَأَنَا مِنْهُ، فَيَعْرِضُهُمْ عَلَى السَّيْفِ حَتَّى يَقْبَلُوهُ! أَلَا إِنَّهُ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ، وَلَا يَأْخُذُ مِنْهُمْ إِلَّا السَّيْفَ، وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه کسانی که از رأی تبعیت می‌کنند جز این نیست که از اهواء خود تبعیت می‌کنند و هرآینه محدثان در غیاب از جایی دور نسبت می‌دهند و هرآینه هدایت هدایت خداوند است! گفتم: هدایت خداوند کدام است؟! فرمود: امامی که به امر خداوند به سوی کتاب خداوند و سنت پیامبرش هدایت می‌کند و میان مردم درباره‌ی چیزی که درباره‌ی آن اختلاف دارند حکم می‌فرماید! گفتم: مردم این را از تو نمی‌پذیرند فدایت شوم، در حالی که اگر از تو می‌پذیرفتند از بالای خود و زیر پاهایشان می‌خوردند، ولی این کار را نمی‌کنند! فرمود: آنان را واگذار ای پسر حبيب؛ زیرا به زودی مردی به سراغشان

می آید که از من است و من از او هستم، پس آنان را بر شمشیر حواله می کند تا اینکه آن را بپذیرند! آگاه باش که او به آنان جز شمشیر نمی دهد و از آنان جز شمشیر نمی گیرد، در حالی که مرگ زیر سایه ی شمشیر است!

۱۲. أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخُتْلَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: كَانُوا يَمْنَعُونَ مِنْ كِتَابَةِ الْحَدِيثِ، وَكَانَ أَحَدُهُمْ يَعْمِدُ إِلَى أَحَادِيثٍ مَكْتُوبَةٍ فَيَأْخُذُهَا وَيَقْدِفُهَا فِي النَّتْرِ، وَلَوْ كَانَ لِي أَمْرٌ لَسِرْتُ بِسِيرَتِهِمْ! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَلْ أَكُنْتُمْ هَذَا؟ قَالَ: لَا، بَلْ نَادَيْتُ بِهِ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ!

ترجمه ی گفتار:

یونس بن عبد الله ختلانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می فرماید: خداوند اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم را رحمت کند! از نوشتن حدیث باز می داشتند و هر یک از آنان به سراغ احادیث نوشته شده می رفت، پس آن ها را می گرفت و به درون تنور می انداخت و اگر برای من توانی پیدا شود به سیره ی آنان عمل می کنم! گفتم: فدایت شوم، آیا این را (از مردم) پنهان نگاه دارم؟ فرمود: نه، بلکه میان آنان ندا بده، باشد که متذکر شوند!



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب ها شعی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب ها شعی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه نخست پایگاه

صفحه استاذ امرایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطالب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.